

اطلاعات استراتژیک و تصمیم‌گیری در حوزه امنیت ملی

رضا کلهر

همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

تاریخ ارائه: ۱۳۸۳/۱۱/۱۹

تاریخ تأیید: ۱۳۸۳/۱۲/۲۲

چکیده

نقش اطلاعات در تصمیم‌گیری متناسب با صبغه این موضوع در مباحث نظامی قدمتی چند هزار ساله دارد. ارتباط میان اطلاعات و فرماندهی در حوزه‌های نبرد دستکم از سون تزو در پانصد سال قبل از میلاد مسیح تا کنون در ادبیات جنگ و استراتژی به ثبت رسیده است؛ اما اطلاعات استراتژیک و تصمیم‌گیری در حوزه‌های امنیت ملی قدمتی در حدود ۴ یا ۵ دهه دارد. اهمیت و ضرورت این موضوع اکنون در محافل استراتژیک دنیا امری روشن و جدی است. نویسنده در این مقاله کوشیده است تا مفهوم اطلاعات، اطلاعات استراتژیک و فرآیند تصمیم‌گیری در حوزه امنیت ملی را تبیین و نقش و تعامل اطلاعات استراتژیک با این فرآیند را تشریح کند. به دلیل آنکه این مباحث در کشورمان کم‌سابقه و یا احیاناً بی‌سابقه است، تلاش بر آن است که ارتباط وثیق و تنگاتنگ میان این عناصر بازشناسی و بازتعریف گردد و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر نیز به بحث و بررسی گذارده شود. با تبیین این مباحث به خوبی روشن می‌شود که سامانه‌های اطلاعات آشکار و پنهان در کشورها چگونه بر تصمیم‌سازی‌های سیاسی و استراتژیک تأثیر گذارند و چه روش‌هایی ممکن است آنها را تحت‌الشعاع اطلاعات استراتژیک قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: اطلاعات استراتژیک، تصمیم‌گیری، امنیت ملی، سیستم‌های اطلاعات، طراحی سناریوها.

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال هشتم • شماره دوم • تابستان ۱۳۸۴ • شماره مسلسل ۲۸

مقدمه

گفته شده است که اطلاعات بخشی از دارایی‌های هر فرد، سازمان یا واحد سیاسی است که به سان دیگر دارائی‌ها از ارزش ویژه‌ای برای مالک خود برخوردار است. هرچند نمی‌توان این متاع را با دیگر اموال و دارایی‌ها مقایسه کرد ولی می‌توان با قاطعیت گفت که این مملوک غیرملموس شاید بیش از هر متاع دیگری ارزشمند است. اطلاعات می‌تواند در جهات متنوع و در سطوح مختلف، دارنده خود را یاری رسانده و در صورت به‌کارگیری صحیح و به موقع، مشکلات عدیده‌ای را حل نماید. این توصیف از اطلاعات خود نشانگر ارزش و قیمت غیرقابل محاسبه آن است.

ماهیت اطلاعات به تنهایی آن اندازه دلفریب و وسوسه‌انگیز است که بسیاری در جمع‌آوری آن صرفاً انگیزه‌های شخصی را دنبال می‌کنند. اگر این امر با فواید و منافع دیگری که حائز اهمیت هستند همراه شود، طبیعتاً جذابیت صدچندانی می‌یابد. تصمیم‌گیری به ویژه در سطح امنیت ملی می‌تواند از آن مواردی باشد که در صورت قرین‌شدن با اطلاعات و اطلاعات استراتژیک دلمشغولی و ملاحظاتی ایجاد نماید به گونه‌ای که بسیاری در طمع جمع‌آوری آن بیافتند. در این مقال مختصر بر آن هستیم که از آثار و پیامدهای به‌کارگیری اطلاعات استراتژیک در تصمیم‌گیری‌ها سخن بگوییم و تا حدی که مقدور است نشان دهیم که این متاع در صورت مزین شدن به همراهی چون تصمیم‌گیری چگونه ارزش می‌یابد و این ارتباط چگونه هم قیمت اطلاعات را فزونی می‌بخشد و هم استحکام تصمیمات را افزایش می‌دهد. بنابراین بدیهی است که دستکم تصمیم‌سازان در پی آن باشند که این موضوع را بازتعریف نمایند.

الف. معنا و مفهوم اطلاع

کتابهای لغت عربی و فارسی به صورت مختصر اطلاع را برابر نوعی آگاهی دانسته‌اند. (۱) هر چند نخست باید روشن کنیم که اطلاع به معنای دانستن و آگاهی یافتن از چیزی است که آن چیز خود باید روشن و بدون ابهام باشد. به عبارت دیگر نمی‌توان از دانستن امری مبهم به عنوان اطلاع خبر داد و باید دستکم این امر را به صورت شفاف‌تری درک کرد و سپس نسبت به

آن آگاهی یافت. حتی در دانسته‌هایی که خود نادرست هستند، نخست باید از غیرمبهم بودن دانسته سخن گفت و سپس در تطبیق آن با مدلول، از درست بودن این انطباق یا نادرست بودن آن بحث کرد. هرچند در برخی از آثار منتشر شده در زمینه اطلاعات، تعاریف مبهمی به چشم می‌خورد ولی این نکته در تمامی تعاریف صادق است که اطلاعات به هر حال از دانسته‌هایی در موردی خاص حکایت می‌کند. اما در معنای اصطلاحی آن این واژه بر دانسته‌های ارزیابی شده دلالت دارد که صحت و سقم آن برای بررسی‌کننده روشن است. البته این نکته نیز قابل ذکر است که نباید دانسته‌ها را با دانش مترادف دانست؛ زیرا تعریف دانش - که در جای خود خواهد آمد - با دانسته به معنای اطلاع یا آگاهی متفاوت است. (۲) به دلیل آنکه اطلاع را خبر پرورش‌یافته دانسته‌اند و در واقع در این نوع پرورش، تحقیق عملی مبنای ارزیابی است، بنابراین اطلاع در اصطلاح به معنای خبری است که مورد ارزیابی قرار گرفته است. ذکر این نکته نیز لازم است که در سرویس‌های خبری غیراطلاعاتی نیز این اقدام مرسوم بوده و در واقع تا این مرحله اقدام مشترکی میان برخی از سرویس‌های خبری و یا سازمانهای اطلاعاتی شکل می‌گیرد. در این اقدام مجموعه‌ای از سازمان اطلاعاتی به پرورش خبر و ارزیابی آن می‌پردازند تا در نتیجه، خبر منتجه به اطلاع تبدیل شود. در این سطح (۳) اطلاع معادل لغوی Information به شمار می‌آید که هرچند در سطحی از اقدامات اولیه به معنای Intelligence است ولی هنوز به اطلاعات مفید و منتجه تبدیل نشده است.

بسیاری از دست‌اندرکاران بر این باورند که آنچه به عنوان داده وارد سیستم ارزیابی و پرورش خبر می‌شود، از آن سو به عنوان منتجه از آن خارج می‌گردد و این نتیجه خود می‌تواند در یک سیکل یا چرخه اطلاعات به مثابه داده به حساب آید. بنابراین چرخه ساده‌ای را که داده‌ها را به اطلاع تبدیل می‌کند، می‌توان در شکل ذیل خلاصه کرد:

Data → Evaluate → Information

در این صورت آنچه به عنوان اطلاع از این مسیر به دست می‌آید بر حسب نوع فعالیت‌هایی که روی داده‌های آن صورت گرفته است، حاوی ارزش‌های ویژه‌ای خواهد بود. جای ذکر این نکته باقیست که ارزیابی هر داده به عوامل و متغیرهای فراوانی بستگی دارد که تأثیر و تأثر آنها را نمی‌توان نادیده گرفت.

بنابراین می‌توان دریافت که اطلاعات^۱ به معنای اول، در واقع نوعی اطلاعات آشکار و دردسترس خواهد بود و به همین سبب در سطوح آشکار از این واژه برای دانسته‌ها استفاده می‌شود.

اما اطلاعات^۲ به معنای دوم که بیشتر بر معنای خاص اطلاعات یعنی جمع‌آوری، ارزیابی، تحلیل و بررسی به همراه مجموعه‌ای از فعالیت‌های پنهان دلالت می‌کند، در کتب لغت به معنای هوش و زیرکی آمده است. فرهنگ آکسفورد این مفهوم را چنین توضیح می‌دهد: «اطلاعات به معنای توانایی یادگیری، درک و استدلال است و به عبارت دیگر توانمندی ذهنی است.» اما در معنای عام، اطلاعات را به معنای دانسته‌های خاصی به ویژه در موارد باارزش نظامی تعریف می‌کند و بلافاصله برای تفسیر این مفهوم و تقریب به ذهن از مثال‌هایی چون آژانس جمع‌آوری اطلاعات و منابع اطلاعاتی یاد می‌کند. (۴) قابل ذکر است که در برخی از فرهنگهای انگلیسی - فارسی نیز واژه‌هایی چون خبر، اطلاعات، سازمانهای اطلاعاتی، هوش، فراست و زیرکی برای این واژه انتخاب و درج شده است. (۵) به هر حال معنای لغوی این واژه نشان‌دهنده نوعی رابطه و پیوند میان مفاهیمی همچون هوشمندی و اطلاعات است. هرچند نمی‌توان به طور یکسره و یکجا نظریه برخی از اندیشمندان در مورد اینکه سیستم‌های اطلاعاتی همان سامانه‌های هوشمند کشور برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات هستند را تأیید یا رد کرد ولی این ارتباط خود نشانگر نوعی قرابت میان این دو مفهوم می‌باشد.

در معنای اصطلاحی نیز این واژه به مفهوم انجام عملیات پنهان برای جمع‌آوری و تحلیل است. دستکم می‌توان گفت که در برخی از فرهنگ‌های روابط بین‌الملل، اطلاعات به معنای به توانایی‌های دولت برای دستیابی به توانمندی‌ها و اهداف و نیات دولت‌های دیگر به کار رفته است. (۶)

از این تعریف می‌توان تلویحاً به این نکته دست یافت که اطلاعات به معنای تخصصی خود بر نوعی از فعالیت‌های پنهان و آشکار دلالت می‌کند که در تلاش برای به دست آوردن نیات، طرحها و اقدامات دشمنان یا رقبا می‌باشد. شایان توجه است که هرچند اطلاعات به این

1 . Information
2 . Intelligence

معنی امری پنهانی و مربوط به حوزه پنهان‌پژوهی است ولی نمی‌توان آن را صرفاً در مجموعه‌ای از فعالیتهای پنهان محصور و منحصر نمود. به عبارت دیگر بخش وسیعی از این فعالیت‌ها در حوزه منابع آشکار صورت می‌گیرد ولی شیوه پردازش و تحلیل و بررسی آنها صبغه هوشمندانه و زیرکانه‌ای دارد که با تکیه بر گردآوری اطلاعات از همه منابع انجام می‌پذیرد.

با این وصف باید گفت که اطلاعات به معنای خاص خود به هر حال از یک ویژگی خاص برخوردار است و آن را از اطلاعات به معنای دانسته‌های عمومی و کلی متمایز می‌سازد. این ویژگی همان «فرآیند تحلیل»^۱ است. فرآیند تحلیل اطلاعاتی که از مراحل اساسی سیر تکوین و تشکیل اطلاعات به معنای Intelligence است، همان معیار منفصل‌کننده اطلاعات به معنای ویژه از اطلاعات به معنای عام است.

ب. انواع و سطوح اطلاعات

با تعریف مختصری که از مفهوم اطلاعات به دست آمد، حداقل روشن می‌شود که اطلاعات در این معنای خاص بر چه امری دلالت می‌کند. به دلیل آنکه اطلاعات به معنای ویژه خود نیز دارای تقسیمات و انواعی است، به ناچار از زاویه‌های مختلف به تقسیم‌بندی و تعریف و تبیین انواع اطلاعات می‌پردازیم. آنچه حائز اهمیت است اینکه اطلاعات در ۲ بعد یعنی سطح و نوع دارای گوناگونی‌های ویژه‌ای است. بنابراین می‌کوشیم که از اطلاعات در انواع آن سخن بگوییم و سپس از اطلاعات در سطوح مختلف آن بحث خواهیم کرد. اطلاعات به لحاظ تقسیم‌بندی موضوعی بیشتر تابع مضاف‌الیه خود می‌باشد. به عبارت دیگر اگر اقتصاد را به عنوان یک مضاف‌الیه خاص بر آن بیافزاییم، مفهومی به نام اطلاعات اقتصادی شکل می‌گیرد. در وهله اول به نظر می‌رسد که این اطلاعات باید فقط به مفهوم اطلاعات به معنای دانسته‌ها اشاره داشته باشد ولی اینگونه نیست و در ادبیات استراتژیک این اطلاعات به معنای خاص خود است که مضاف این وصف‌ها قرار می‌گیرد. با این تعبیر اطلاعات را می‌توان دستکم در صورت کلی به انواع ذیل تقسیم کرد:

اطلاعات سیاسی^۱، اطلاعات اقتصادی^۲، اطلاعات نظامی^۳، اطلاعات امنیتی^۴ و اطلاعات اجتماعی^۵. با کمی تسامح می‌توانیم بپذیریم که دیگر انواع اطلاعات می‌توانند به نحوی درون پنج دسته فوق دسته‌بندی و طبقه‌بندی شوند. برای مثال از اطلاعات فرهنگی و اطلاعات قومی می‌توان در حوزه اطلاعات اجتماعی سخن گفت و اطلاعات دفاعی را در اطلاعات نظامی و امنیتی تقسیم و تعریف کرد. به هر حال هرچند در این تقسیم، حصر از نوع استقرایی است و عقلی نیست، ولی عمده دسته‌بندی‌های اطلاعات را می‌توان در آن تبیین نمود.

در یک سطح‌بندی دیگر می‌توان اطلاعات را در سه سطح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی دسته‌بندی کرد. هرچند این سطح‌بندی در بسیاری از موضوعات دیگر همچون مدیریت و فرماندهی نیز جاری است ولی در سطح‌بندی اطلاعاتی از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. به عبارت دیگر اطلاعات در هر سه سطح با مقوله‌ای به نام «تصمیم‌گیری»^۶ ارتباط می‌یابد. نوع ارتباط با موضوع تصمیم‌گیری در اطلاعات در فرآیندهای مختلفی تفسیر و توضیح داده شده است. ویژگی منحصر به فرد در ارتباط میان اطلاعات و تصمیم‌گیری در جایی است که در واقع اطلاعات هم در فرآیند تصمیم‌سازی و هم در تصمیم‌گیری و در نتیجه در بررسی و ارزیابی پیامدهای تصمیم‌گیری دخالت مستقیم دارد. در واقع از این مرحله به بعد است که اطلاعات تمایز خود را با دیگر مقوله‌های مرتبط با حوزه‌های تصمیم‌سازی به رخ می‌کشد.

روشن است که برای تبیین نوع و چگونگی ارتباط میان اطلاعات و فرآیند تصمیم‌گیری، نخست باید متغیرهای مؤثر بر فرآیند تصمیم‌سازی را برشمریم و سپس نشان دهیم که چگونه اطلاعات در این فرآیند تأثیر خود را بر جای خواهد گذاشت. به طور طبیعی هنگامی که تصمیم‌ها، سطح کلان نظام را در مسایل پیچیده و حوزه‌های مربوط به منافع حیاتی و حساس درگیر می‌نمایند، این سطح استراتژیک خواهد بود و بالطبع در آن می‌توان از نقش اطلاعات در

1 . Political intelligence
2 . Economic intelligence
3 . Military intelligence
4 . Security intelligence
5 . Social intelligence
6 . Decision - making

امنیت ملی سخن گفت. هر چند این تأکید بدان معنی نیست که اطلاعات در سطوح پایین‌تر یعنی عملیاتی و تاکتیکی دارای اهمیت نیست، لکن آنچه اکنون در پی تبیین آن هستیم تأثیر و تعامل اطلاعات در سطح استراتژی‌ها با تصمیم‌گیری‌های سطح امنیت ملی است. بسیاری از اندیشمندان در حوزه‌های نظامی از تعامل میان اطلاعات و تصمیم‌گیری‌های عملیاتی و تاکتیکی سخن گفته‌اند. (۷) این بحث دستکم از سون‌تزو در ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در چین آغاز شده و پس از او بسیاری بر اهمیت اطلاعات در صحنه‌های نبرد و در سطح فرماندهی عملیاتی کل جنگ تأکید کرده‌اند. برخی گاه اطلاعات را از جنگ‌افزار و پرسنل نیز مهمتر شمرده‌اند و برخی نیز بر اغراق بیش از اندازه بر اطلاعات خرده‌گیری نموده‌اند. (۸)

در عین حال قابل انکار نیست که اطلاعات می‌تواند در شکل‌گیری هر تصمیمی در هر سطحی بسیار مؤثر باشد. با این وصف اکنون باید دید که این تعامل از چه الگویی پیروی می‌کند و چگونه در سطح اهداف ملی و گسترش ارزش‌های ملی یک نظام مؤثر واقع می‌شود؟

ج. حوزه‌های مرتبط با اطلاعات استراتژیک

چنانکه گفته شد، اطلاعات استراتژیک در واقع بالاترین سطح اطلاعات است و سطوح دیگر آن در حوزه‌ها و قلمروهای محدودتری مؤثر و نافذند. اما اطلاعات استراتژیک چیست و چگونه در تصمیم‌سازی‌های امنیت ملی تأثیر می‌گذارد؟ قطعاً نمی‌توان در این مرحله از اطلاعات، بدون شناخت صحیح از صفت آن یعنی «استراتژیک» بحث نمود. ابتدا باید دانست که این واژه که خود از استراتژی مشتق شده است، بر چه مفهومی دلالت دارد؟ با اندک رجوعی به آثار و کتب مربوطه می‌توان دریافت که استراتژی واژه‌ای با ریشه یونانی است که در یونان باستان به فرد یا طبقه خاصی از افراد که در مسئولیت تصمیم‌گیری برای جمعی دیگر بوده‌اند اشاره می‌کند. قرابت مفهومی این واژه از هنگام ظهور آن با فرآیند تصمیم‌گیری نشانگر آن است که استراتژی گویا هم به لحاظ معنایی و هم به لحاظ کارکردی پیوند وثیقی با تصمیم‌گیری برقرار کرده است. هرچند نمی‌توان انکار نمود که این واژه در بستری نظامی متولد شده و رشد کرده است، ولی باید متذکر شد که بسان بسیاری دیگر از اصطلاحات، این مفهوم نیز تنها در آن حوزه محصور نمانده و در حوزه‌های فکری و عملی دیگری نیز رسوخ و

گسترش یافته است. با این وصف، کلمه استراتژیک^۱ می‌تواند ریشه و مفهوم ذاتی استراتژی را نشان دهد و این بدان معناست که امری می‌تواند استراتژیک تلقی شود که نسبتی با تصمیم‌گیری برای جمعی از افراد برقرار سازد. (۹) بنابراین می‌توان دریافت که اطلاعات استراتژیک نیز باید به گونه‌ای با تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی ارتباط خاص یابد.

در عین حال اطلاعات استراتژیک می‌تواند در یک ترکیب خاص بر مفهومی ویژه نیز دلالت داشته باشد. بی‌شک نخستین کسی که کوشیده است این مفهوم را روشنتر بیان نماید شرمین کنت است. به بیان کنت:

«اطلاعات استراتژیک عبارت از دانشی است که روابط خارجی ملت ما باید در زمان

جنگ و صلح، بر پایه آن استوار باشد.» (۱۰)

با اندک تأملی در تعریف کنت از اطلاعات استراتژیک درمی‌یابیم که وی این مفهوم را بیشتر در حوزه سیاست خارجی کشورش تعریف و تبیین می‌کند. (۱۱) با وجود این باید گفت که اطلاعات استراتژیک نخست در حوزه دانشی قرار می‌گیرد که این دانش می‌تواند نوعی توانمندی خاص را برای صاحبان آن ایجاد کند. به نظر کنت این توانمندی را می‌توان پایه‌ای برای روابط خارجی کشور در زمان جنگ و صلح دانست.

البته قابل ذکر است که اطلاعات استراتژیک امروزه در حوزه‌های دیگر به ویژه در حوزه رقابت‌های اقتصادی گسترش یافته است. در این زمینه اندیشمندانی نیز هستند که بر ایجاد ادبیات خاص تأکید دارند و کوشیده‌اند تا آن را در حوزه خود نیز تعریف کنند. برای مثال گفته شده است که:

«اطلاعات استراتژیک آن چیزی است که یک کمپانی ضرورتاً باید درباره محیط

تجارتی‌اش بداند تا بتواند بصیرت و بینشی در فرآیندهای کنونی‌اش بدست آورده و

پیش‌بینی کند و همچنین تغییر برای آینده را مدیریت و استراتژی‌های مناسبی را

طراحی کند که ارزش تجاری برای مشتریان‌اش داشته و سودآوری را در بازارهای

کنونی و نوین بهبود بخشد.» (۱۲)

این تعریف از اطلاعات استراتژیک در حوزه اقتصاد و تجارت بر چند نکته تأکید دارد که می‌توان آن نکات را عیناً در حوزه مسائل امنیتی، اطلاعاتی و استراتژیک نیز ترسیم نمود. محیط‌شناسی، پیش‌بینی و طراحی سناریوهای نوین برای آینده از مهمترین نکاتی هستند که در این توصیف از اطلاعات استراتژیک به چشم می‌خورد و بدیهی است این سه رکن می‌تواند در تصمیم‌سازی به منظور بهینه کردن سودآوری‌های اقتصادی در بازارهای کنونی و نوین سودمند باشد.

شیوه و شکل پیدایش اطلاعات استراتژیک و رهیافت آمریکاییان به آن پس از غافلگیری استراتژیک در پرل‌هاربر دستکم یک نکته را برای آنها روشن ساخت که نداشتن «برتری اطلاعاتی» چگونه می‌تواند تصمیم‌گیرندگان یک کشور را در مواقع بحرانی با چالشی جدی روبرو سازد. عدم شناخت صحیح از محیط، پیش‌بینی نکردن سناریوهای محتمل‌الوقوع و نداشتن سناریوهایی برای برخورد و مدیریت بحرانها حتی می‌تواند کشوری قدرتمند مانند آمریکا را با مشکلات و چالش‌های بسیار جدی روبرو سازد. بنابراین می‌توان به خوبی بر این نکته تفتن یافت که اطلاعات استراتژیک چگونه می‌تواند در فرآیند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مؤثر واقع نشود.

اطلاعات استراتژیک نیز مانند اطلاعات در سطوح دیگر هنگامی می‌تواند در تصمیم‌سازی‌ها مؤثر باشد که بتواند نوعی برتری اطلاعاتی را در محیط تصمیم‌سازی ایجاد نماید. روشن است که اقناع اطلاعاتی برای دست‌اندرکاران امور تصمیم‌گیری آن هم در سطح امنیت ملی پایین‌ترین سطح از امیدواری و انتظار آنان را از سامانه‌های اطلاعاتی برآورده می‌کند.

اما آنچه در این میان اهمیت دارد این است که تصمیم‌گیرندگان در هر حوزه‌ای به اطلاعاتی نیاز دارند که بتوانند آن را در حوزه مطلوب خود به کار گیرند. بدیهی است که اطلاعات استراتژیک در هر حوزه‌ای با ویژگی‌های خاص آن حوزه تناسب وثیق دارد ولی همانگونه که گفته شد قطعاً این اطلاعات به نوعی به برتری اطلاعاتی منجر می‌شود. در حوزه‌های دفاعی و نظامی اطلاعات مربوط به توان کلان دفاعی و تهاجمی دشمنان در قبال آنچه می‌تواند بر این توان در سطح کلان تأثیرگذار باشد، در حوزه اطلاعات استراتژیک

تعریف می‌شود. در قلمرو اقتصادی، اطلاعات اقتصادی مربوط به تولیدات فراگیر شرکت‌های بزرگ و چگونگی بازاریابی آنها و نسبت رضایتمندی مشتری نسبت به کالای مورد نظر برای شرکت‌های رقیب در زمره دانسته‌های استراتژیک محسوب می‌شوند. این دانسته‌ها می‌توانند در دیگر حوزه‌های آشکار مانند موضوعات مربوط به امنیت داخلی، مباحث مربوط به شکافهای اجتماعی و فرهنگی و مؤلفه‌های تعیین‌کننده و تأثیرگذار در این حوزه‌ها، اطلاعات استراتژیک در حوزه اجتماعی را شکل دهند. در حوزه مباحث سیاسی و امنیتی اطلاعات مربوط به روابط پنهان و آشکار کشورهای دوست و هم‌پیمان و چگونگی نگرش یک کشور به کشور دشمن یا رقیب و اطلاعات مربوط به توانمندی این کشورها در ایجاد ائتلاف‌ها علیه یکدیگر یا ایجاد روندهای تهدیدآمیز داخلی همچون بسترسازی برای شورشگری، در زمره اطلاعات استراتژیک در حوزه‌های سیاسی و امنیتی به شمار می‌آیند که در تصمیم‌گیریهای امنیت ملی از سوی مسئولان هر نظامی بسیار ضروری و مطلوب تلقی می‌شوند. همه اینها جمله شرم‌کنندگانه را در کتاب «اطلاعات استراتژیک برای سیاست خارجی آمریکا» (۱۳) به یاد می‌آورد:

«دانستن اطلاعات استراتژیک به عنوان دانشی که مبنای روابط خارجی ملتها را در زمان صلح و جنگ تشکیل می‌دهد، پیش شرط عمده اجرای موفقیت‌آمیز روابط بین‌الملل است.»

آنچه کنت بر آن تأکید می‌ورزد و آن را دانشی تلقی می‌کند که مبنای روابط خارجی ملتها را شکل می‌دهد، نمی‌تواند در سطح موضوعات تاکتیکی و یا عملیاتی تعریف شود. این دانش می‌بایست از یک سو بر مبنای بنیادین استوار باشد و از سوی دیگر خود نیز مبنای سناریوها و طرحهای روابط میان ملتها قرار گیرد. بنابراین می‌توان گفت که اطلاعات استراتژیک در تمامی حوزه‌ها و قلمروهای گوناگون باید بر اطلاعاتی اطلاق شود که در وهله نخست بتواند دانشی را تشکیل دهد که این دانش بنیان روابط و معادله‌های آن را ایجاد نماید و از سوی دیگر تصمیم‌سازی را برای تصمیم‌گیرندگان تسهیل و ممکن کند. این دانش زمینه‌ساز بصیرتی خواهد بود که می‌تواند چارچوب‌های پیش‌بینی را شکل دهد. برای تشکیل این چارچوب‌ها، طراحی سناریو امری ضروری به نظر می‌رسد. در این میان عوامل مقوم اطلاعات استراتژیک نقش اساسی را ایفا می‌نمایند که در حوزه‌های گوناگون متفاوتند ولی اشتراکاتی نیز دارند که

عنوان اطلاعات استراتژیک را برای آنها توجیه می‌کند. کلان‌نگری، ایجاد برتری‌های اطلاعاتی در سطح راهبردی، زمینه‌سازی برای تصمیم‌سازی‌های امنیت ملی و پیش‌گیری از غافلگیری‌های استراتژیک در هر حوزه، همه و همه می‌توانند شاخصهای اصلی برای اطلاعات استراتژیک به شمار آیند.

د. تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی از مهمترین مباحث در سطح کلان اداره کشورهاست. هیچ کشوری نمی‌تواند و نخواهد توانست بدون داشتن سامانه تصمیم‌سازی و در پی آن روش تصمیم‌گیری در رویارویی با رویدادهای مهم و استراتژیک، تصمیم بخردانه و معقول اتخاذ کند. با توجه به این نکته نخست باید بتوانیم تصویری روشن از مقوله تصمیم‌گیری به دست دهیم. به دلیل آنکه انسانها در زندگی روزمره خود پیوسته با چنین پدیده‌ای درگیرند و در بسیاری از موارد خود در زندگی روزانه تصمیمات فراوانی اتخاذ می‌کنند، شاید برای برخی روشن‌سازی و شفافیت‌بخشی به مقوله تصمیم‌گیری امر چندان مهمی به نظر نیاید، ولی حقیقت امر آن است که در تحلیل این پدیده و در تحدید دقیق آن می‌توان به عوامل مؤثری برخورد که شناخت و وزن‌دهی آنها در اتخاذ تصمیم، گاه بی‌اندازه مورد غفلت قرار می‌گیرد. برخی در تعریف تصمیم گفته‌اند که تصمیم از چهار رکن اساسی تشکیل می‌شود که عبارتند از شناخت مشکلات و مسایل، ایجاد راه‌حلهای بدیل برای حل آنها، گزینش راه‌حل مناسب میان بدیلها و اجرای گزینه منتخب. (۱۴)

با اندک تأملی در این تعریف و با توجه به تقسیم مفهوم تصمیم‌گیری در مراحل چهارگانه به نظر می‌رسد نخستین مرحله از فرآیند تصمیم‌گیری یعنی شناخت مشکل یا مسأله از اهمیت ویژه برخوردار است. زیرا شناخت ماهیت واقعی مسأله می‌تواند تصمیم‌گیرنده را در شناخت راه‌حل‌های بدیل برای حل مشکل به واقعیت‌های موجود تفتن بخشد. با توجه به این واقعیت‌هاست که تصمیم‌گیرنده می‌تواند منابع در اختیار را برای مدیریت و یا حل مسأله تخصیص دهد. نگرش واقع‌بینانه از یک سو ماهیت مشکل را نزد تصمیم‌گیرنده روشن و از سوی دیگر تصور راه‌های برخورد را برای او آسانتر می‌کند. در مرحله دوم نیز برای ایجاد و

گسترش راه‌حل‌های بدیل، تصمیم‌گیرنده بر اساس شناخت واقعی ماهیت مشکل، متناسب با منابع در اختیار و با توجه به محدودیت‌های تحمیلی از سوی محیط، عوامل مؤثر و بازیگران در صحنه می‌کوشد تا راه‌حل‌های خود را متناسب با مشکل طرح و پرورش دهد. در مرحله سوّم یعنی گزینش راه‌حل مناسب از میان بدیلهای، تصمیم‌گیرنده با توجه به شناخت صحیح مبتنی بر واقعیتها و با بررسی و تحلیل اطلاعات مربوط به آنها و همچنین با بررسی و تحلیل راه‌حل‌های قابل تصور برای حل مشکل، مقدمات و محدودیتها را روشن ساخته و یکی از راه‌حل‌های بدیل را گزینش می‌کند. در این مرحله از فرآیند تصمیم‌گیری که حساسترین مرحله و در واقع نقطه عطف تصمیم‌گیری است، تصمیم‌گیرنده انتخاب خود را انجام می‌دهد. در واقع دو مرحله پیش از این، بیشتر به تصمیم‌سازی نزدیک است و این مرحله تصمیم‌گیری را متجلی می‌سازد. در مرحله چهارم که شامل اجرای تصمیم مورد نظر می‌باشد، تصمیم‌گیرنده تلاش می‌کند که آنچه را گزینش کرده به اجرا بگذارد. پس از این مرحله در واقع بخشی از اجرای تصمیم می‌تواند در سازمان یا رده‌های پائین‌تر یک سامانه تحقق پذیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، درمی‌یابیم که تصمیم‌گیرندگان در سطوح مختلف چه فرآیندی را طی کرده و چگونه به اتخاذ تصمیم نایل می‌شوند. این چرخه عیناً در سطوح پایین‌تر و بالاتر تصمیم‌گیری در یک کشور دیده می‌شود. در تصمیم‌گیری کلان یک کشور که به مسایل اساسی امنیت ملی آن نیز مربوط می‌شود، چهار مرحله پیش‌گفته به خوبی به چشم می‌خورد. تفاوت اساسی در آنجاست که اصولاً در تصمیم‌گیری‌های کلان، سطح این تصمیمات متناسب با سطح منابع و ارزشهای حیاتی، بالاتر رفته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. در نتیجه پیامدهای تصمیم‌گیری نیز اهمیتی خاص می‌یابد. تصمیماتی در مورد جنگ، قطع ارتباط سیاسی، وارد نشدن در ائتلاف منطقه‌ای و یا پشتیبانی از یک جریان خاص بین‌المللی، می‌تواند با حیات و ممانعت ملی یک کشور ارتباط بیابد. بنابراین می‌بایست تصویری از نحوه تصمیم‌گیری در حوزه امنیت ملی ارائه کنیم.

هـ. تصمیم‌گیری در حوزه امنیت ملی

شاید هیچ واژه‌ای به اندازه «امنیت ملی» و ارکان و عوامل مقوم آن در حاله‌ای از ابهام نباشد. بنابراین این سؤال مطرح است که چه مباحثی را می‌توان مرتبط با حوزه امنیت ملی دانست؟ آیا ارزش‌هایی که ملت حاضر است برای آنها بالاترین منابع خود را تخصیص دهد، می‌تواند تعریفی از منافع حوزه امنیت ملی باشد؟ آیا این منافع ثابتند؟ آیا تحولات بین‌المللی و تغییر رویکردهای جهانی و ظهور و بروز پدیده‌هایی چون جهانی‌شدن می‌تواند منافع و ارزشهای حیاتی کشور را دگرگون سازد؟ از این دست پرسش‌ها در این حوزه آنقدر فراوان است که از یک سو به سختی می‌توان آنها را احصاء نمود و از سوی دیگر به سختی می‌توان آنها را معیارهایی برای تعریف و تعیین ارکان و عوامل مقوم امنیت ملی دانست.

اما باید به نحو کلی تعریفی را ارائه کرد که نشانگر مسایلی باشد که می‌توان آنها را در حوزه امنیت ملی به شمار آورد. اگر امنیت ملی را در گفتمان سلبی به فقدان تهدید در برابر منافع حیاتی ملت تعریف کنیم و یا در گفتمان ایجابی، آن را معادل توانایی ایجاد شرایطی تعریف کنیم که کشور بتواند منافع حیاتی خود را در آنها حفظ کرده و یا گسترش دهد؛ (۱۵)

بنابراین می‌بایست امر تصمیم‌گیری را در سطح امنیت ملی به مثابه یکی از مهمترین ارکان تعریف و بازشناسی نمود. در عین حال ادبیات گسترده‌ای در حوزه مباحث اطلاعات استراتژیک تولید شده به گونه‌ای که می‌توان در خصوص اطلاعات استراتژیک و ارتباط آن با تصمیم‌گیری مطالب منسجمی به دست آورد و یا حتی می‌توان اذعان نمود که این مبحث از مباحث مغفول در حوزه اطلاعات استراتژیک است. ریچارد راسل در این باب می‌نویسد:

«نقش اطلاعات استراتژیک در فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی در بالاترین

سلسله مراتب حکومت همچنان یک موضوع مطالعاتی مغفول است.» (۱۶)

این غفلت از آن جهت روی داده که تمامی یا اکثر ادبیات استراتژیک مربوط به اطلاعات مبتنی بر دیدگاه افسران اطلاعاتی است و آثار بسیار کمی از سوی تصمیم‌گیرندگان به نگارش درآمده است. (۱۷) این موضوع نشانگر آن است که مباحث مربوط به اطلاعات استراتژیک هر چند به صورت مستقیم و وثیق با تصمیم‌سازی‌ها ارتباط دارد ولی از آن لحاظ که این دست مسائل در سطح اجرائی مورد بحث قرار می‌گیرد، کمتر به مباحث نظری آن پرداخته شده است.

به عبارت دیگر نزدیکی به صحنه اجرا موجب شده تا اهمیت نظری این موضوعات تحت‌الشعاع قرار گیرد.

از سوی دیگر باید به این نکته نیز توجه داشت که مهمترین تصمیمات در حوزه امنیت ملی عمدتاً به موضوعاتی از قبیل مباحث کلان دفاعی و استراتژیک باز می‌گردد. این دست از مسایل آنچنان با منافع ملی گره می‌خورند که تصمیم‌گیری درباره آنها می‌تواند سلسله‌ای از منافع به هم پیوسته را تحت تأثیر قرار دهد. هرچند نمی‌توان مباحث و موضوعات صرفاً دفاعی را استراتژیک تلقی کرد و بسیاری از مسایل در حوزه‌های اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی نیز در این قلمرو می‌گنجد، ولی آنچه می‌تواند به طور مستقیم بسیاری از نظرات مربوط به منافع حیاتی و ارزش‌های ملی را تحت تأثیر قرار دهد، نخست و با اولویت اول در حوزه حفظ تمامیت ارضی و دفاع از کیان کشور و ملت و نگاهبانی از منافع آن در محدوده‌های جغرافیایی است. بنابراین می‌توان گفت که تصمیمات امنیت ملی را باید با اولویت‌بندی ویژه‌ای در حوزه‌های مرتبط با منافع ملی دسته‌بندی و تعریف کرد.

به دلیل آنکه حوزه تهدیدات بیش از هر عامل دیگری ممکن است امنیت ملی را با مخاطراتی جدی روبه‌رو سازد و این تهدیدات نیز عمدتاً از جانب کشورهای خارجی و یا گروهها و سازمانهای پشتیبانی‌شونده توسط کشورهای خارجی فعلیت می‌یابد، نخست باید دانست که ماهیت تصمیم‌گیری در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی چیست و در این خصوص، اطلاعات استراتژیک چه نقشی به منظور حفظ منافع ملی در چارچوب امنیت ملی ایفا می‌کند؟

با توجه به تحلیلی که از فرآیند تصمیم‌گیری ارائه شد و به دلیل آنکه این فرآیند خود را در مباحث مربوط به تصمیم‌گیری‌های امنیت ملی نیز نشان می‌دهد، می‌توان دریافت که در صورت بروز تهدید در حوزه امنیت ملی، تصمیم‌گیرنده باید بتواند مراحل مختلفی را در برخورد با آن آگاهانه طی نماید.

مرحله نخست عبارت است از شناخت معضل، تهدید یا مشکل فراروی. برای این مرحله تصمیم‌گیرنده نیازمند به شناخت آنچه روی داده و او را در برابر مسأله‌ای جدید قرار داده، می‌باشد. به طور طبیعی و با وجود مشکلات و پدیده‌های نوظهور و متنوع نمی‌توان از

تصمیم‌گیرنده انتظار داشت که تمامی زوایا و زمینه‌های پدیده فراروی را بشناسد بنابراین در مرحله شناخت، تصمیم‌گیرنده نیازمند اطلاعاتی از پدیده موجود است تا بتواند تصویری روشن از آن به دست آورد. هرچند این امر تا اندازه زیادی در یک سامانه اطلاعاتی نیازمحور قابل تعریف است ولی آنچه تصمیم‌گیرندگان به عنوان نیازمندی‌های خود عرضه می‌دارند باید پیرامون شناخت پدیده فراروی یا تهدید و مشکل رخ داده باشد تا بتوان در مرحله نخست این نیاز منطقی را برآورده نمود. بسیاری از تصمیم‌گیرندگان بر این گمان هستند که خود به خوبی پدیده نوظهور را می‌شناسند و حتی دارای تحلیل‌های قوی از آن هستند. به همین دلیل ممکن است در برخی موارد نیاز به شناخت پدیده یا معضل از سوی تصمیم‌گیرنده به سیستم ارجاع نشود. در این‌گونه موارد، یک مجموعه بررسی‌کننده اطلاعات استراتژیک باید با هشدارهای جدی، تصمیم‌گیرنده را نسبت به موضوع آگاه ساخته و او را در این زمینه با تحلیل‌های مختلف و طیف متنوعی از دیدگاهها که با تحلیل‌های جدی همراه است پشتیبانی نماید. از این‌روست که مجموعه‌ای از شکست‌های تصمیم‌گیرندگان در جهان وجود دارد که تا اندازه زیادی به علت عدم تأثیرگذاری سامانه‌های اطلاعاتی بر سیاست خارجی و تصمیم‌گیری‌های حوزه امنیت ملی است. (۱۸) این رویداد آن هنگام رخ می‌دهد که سامانه اطلاعاتی، تصمیم‌گیرنده را از دیدگاههای خود مطلع نساخته یا او را نسبت به ارتکاب اشتباهی که در حال رخ دادن است هشیار نمی‌سازد.

بدیهی است شناخت پدیده‌ای که در پیچیدگی‌های ویژه‌ای ملفوف است، بدون درک صحیح از عوامل مقوم آن پدیده و ارکان متشکله آن امکانپذیر نیست. شناخت این عوامل و ارکان در سطح راهبردی آن نیازمند اطلاعاتی است که از آن پدیده می‌توان به دست آورد. درک نقاط قوت و ضعف عوامل و ارکان به وجود آمدن یا استمرار یک پدیده از آن دست اطلاعاتی‌اند که می‌توانند با استمرار یا اضمحلال آن پدیده ارتباط مستقیمی برقرار نمایند. بنابراین این اطلاعات نسبت به وجود آن پدیده و نسبت به تصمیم‌گیرنده‌ای که در برخورد با آن است اطلاعاتی استراتژیک به شمار می‌آید. برای مثال می‌توان از پدیده انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نام برد که نمونه‌ای از عدم شناخت صحیح یک پدیده توسط یک یا چند سامانه اطلاعاتی را نشان می‌دهد. در یک مقاله تخصصی می‌خوانیم:

«آخرین نمونه از اعتقاد به اطلاعات به عنوان یک امر ناپسند، ناتوانی سازمان اطلاعاتی آمریکا و دیگر کشورها در درک و شناخت این امر بود که رژیم شاه در سال ۱۹۷۸ در برابر خطری جدی قرار داشت. در این باره به علل متعددی اشاره شده است. برای مثال به قوانین دست و پاگیر غیررسمی در جمع‌آوری اطلاعات در ایران ... به گزارش غیرحقیقی و بزرگنمایی سفارت آمریکا... به دیدگاه کلی و جهانی آمریکا در اینکه تأثیر مذهب را ناچیز می‌شمرد... من فکر می‌کنم آخرین دلیل مطروحه مبنی بر اینکه قدرت انقلاب ناچیز شمرده شده است، مقبولتر از آن است که طرح‌های بازیگران کلیدی چون برژینسکی، سولویان و بال می‌توانست نتایج مطلوبی داشته باشد.» (۱۹)

در مورد مذکور به خوبی دیده می‌شود که تصمیم‌گیرندگان بر اساس فقر و عجز سیستم اطلاعاتی کشورهای غربی به ویژه آمریکا نتوانستند شناخت صحیحی از پدیده‌ای چون انقلاب اسلامی را به دست آورده و آن را در برابر دیدگان تصمیم‌گیر داخلی یا خارجی قرار دهند. از این رو تصمیم‌های اتخاذ شده از یک سو به تصاعد انقلاب و از سوی دیگر به تضعیف تا سقوط رژیم شاه منجر شد. ارتباط اطلاعات استراتژیک و نقش آن در فرآیند تصمیم‌گیری امنیت ملی در مرحله شناخت پدیده، معضل و مسأله، مهمترین رکن را تشکیل داده و تا اندازه زیادی به مرحله دیگر فرآیند تصمیم‌گیری ارتباط خواهد داشت.

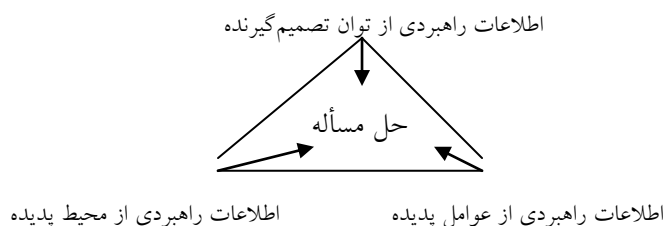
از این منظر باید گفت اطلاعات استراتژیک در همان مرحله نخست خود در ارتباط با امنیت ملی و تصمیم‌گیری‌های آن با مقوله‌ای به نام کشورداری^۱ پیوند می‌خورد. (۲۰) به عبارت دیگر تصمیمات در این سطح فقط به حوزه‌هایی چون نظامی‌گری، اقتصاد و یا سیاست داخلی مربوط نمی‌شود بلکه با سطحی بسیار فراگیرتر و عمومی‌تر از آن یعنی کشورداری ارتباط می‌یابد. نگارنده این سطور برآنست که در مقاله‌ای جداگانه سطوح اطلاعات استراتژیک و ارتباط آن را با حوزه‌های متفاوت به رشته تحریر درآورد. به دلیل آنکه الگوهای متفاوت کشورداری می‌تواند به صورت بالقوه و بالفعل در جهان وجود داشته باشد و ممکن است در پرتو تغییرات سیستمی و غیرسیستمی، دو یا چند کشور با یکدیگر به نوعی ارتباط یابند، داشتن اطلاعات استراتژیک از هر کشور برای دیگری امری حیاتی و ضروری تلقی می‌شود. بوزمان به همین معنی اشاره می‌کند و می‌گوید:

1 . Statecraft

«این بدان معنی است که در هر زمان تعداد زیادی از الگوهای کشورداری به تعداد نقش‌آفرینان در سیاست جهانی وجود دارد. ضرورت دارد که دستگاه‌های اطلاعاتی هر نقش‌آفرینی در سیاست جهانی بدانند که اطلاعات سیاسی در نقاط دیگر جهان چگونه ایفای نقش می‌کند.» (۲۱)

اطلاع از اینکه چگونه سامانه‌های اطلاعات سیاسی در جهان نقش‌آفرینی می‌کنند و یا اینکه سیستم‌های اطلاعاتی با چه راهبردهایی اهداف استراتژیک خود را تعقیب می‌نمایند، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های یک واحد سیاسی برای حفظ منافع خود و مقابله با تهدیدات احتمالی و در نتیجه، کشورداری در بعد سیاست خارجی مؤثر باشد. از سوی دیگر همین امر در حوزه سیاست داخلی و در قلمرو کشورداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در مرحله دوم یعنی طراحی و ایجاد راه‌حل‌های بدیل برای مشکلات و مسائل، می‌توان از نوعی طراحی سناریوهای برخورد با مسایل و معضلات نام برد. در فرآیند تصمیم‌گیری‌های حوزه امنیت ملی بدیهی است که تصمیم‌گیرنده می‌کوشد تا با تخصیص حداقل منابع بر حل حداکثر مشکلات فایق آید. بدین منظور نمی‌توان بدون شناخت صحیح از ماهیت مسأله یا مشکل که در مرحله نخست از آن سخن گفتیم به سراغ طراحی و ایجاد راه‌حل‌های بدیل برای آن رفت. طراحی سناریوهای بدیل نیز خود نیازمند اطلاعات راهبردی از توان خودی برای حل مسأله و داشتن اطلاعات راهبردی از محیط بروز مشکل و اطلاعات مربوط به عوامل ایجاد کننده از سوی دیگر است. بدین منظور می‌توان گفت که ترسیم شکل ذیل وضعیت تصمیم‌گیرنده و اطلاعات را درباره یک معضل تشریح می‌کند.



این وضعیت نشانگر آن است که تصمیم‌گیرنده دستکم پس از شناخت ماهیت پدیده یا مشکل از سامانه اطلاعاتی خود، اطلاعات مربوطه به سه محور توان خودی، محیط بروز پدیده

و عوامل ایجادکننده پدیده را مطالبه نموده و می‌تواند با تلاقی و برخورد میان این اطلاعات سناریوهای محتمل آتی را پیش‌بینی و حتی طراحی کند. (۲۲)

با این همه باید به این نکته توجه داشت که حتی مرحله دوم نیز در اینجا پایان نپذیرفته است؛ بلکه آنچه آمد، بیش از هر چیز صرفاً جنبه هستی‌شناسی پدیده را تکمیل کرده است. در عین حال تصمیم‌گیری از طراحی راه‌حل‌ها آغاز می‌شود. یعنی زمانی که تصمیم‌گیرنده می‌کوشد آلترناتیوهای متفاوتی را برای حل مسأله طراحی کند. وی نخست امکانات و توانمندی‌های خود را ارزیابی و تحلیل می‌کند تا بتواند پس از شناخت معضل توان خویش را برای مقابله با آن بیازماید. در مرحله بعد از طریق اطلاعات جمع‌آوری شده از سامانه‌های اطلاعاتی به همراه تحلیل آنها اطلاعات راهبردی از عوامل مقوم پدیده و ایجادکننده آن را به دست آورده و ضعف و قوت این عوامل را در سناریوهای خود دخالت می‌دهد. اطلاعات استراتژیک مربوط به محیط پدیده نیز از اهمیت خاصی برخوردار است که می‌تواند نقش به‌سزایی در طراحی راه‌حل‌ها داشته باشد. تصمیم‌گیرنده پس از وزن‌دهی به هر یک از این مؤلفه‌ها و با در نظر گرفتن چارچوب‌های امنیت ملی و بردارهای حفظ منافع ملی می‌کوشد راه‌حلی ارائه نماید که با تخصیص منابع حداقلی منافع حداکثری را حفظ نماید. از این رو آنچه برای وی پس از طراحی و ایجاد آلترناتیوها اهمیت می‌یابد مرحله سوم یعنی گزینش میان راه‌حل‌هاست.

در این مرحله به طور طبیعی انتخاب راه‌حلی که با صرف هزینه‌های کمتر و در زمان کوتاه‌تر بیشترین بازدهی را دربرداشته و از خسارت و تلفات کمتری برخوردار باشد مدنظر قرار می‌گیرد. اطلاعات استراتژیک در این مرحله از بعد توصیف آنچه هست بیرون می‌آید و باید اطلاعاتی را در اختیار بگذارد که به پیش‌بینی پیامدهای گزینش و اجرای راه‌حل منتخب بیانجامد. به عبارت دیگر برای گزینش میان راه‌حل‌های بدیل آنچه از اهمیت ویژه برخوردار است داشتن اطلاعات راهبردی از پیامدهایی است که هر یک از این گزینه‌ها ممکن است در پی داشته باشد. بدیهی است آنچه هنوز رخ نداده و در حد احتمال است را نمی‌توان در زمره اطلاعات به حساب آورد و می‌بایست آن را نوعی پیش‌بینی استراتژیک (۲۳) قلمداد کرد. این موضوع تا آن اندازه اهمیت دارد که بدون آن سخن گفتن از ضریب بهره‌وری اطلاعات بی‌معنا

است. گزینش میان راه‌حل‌های بدیل خود فی‌نفسه و به تنهایی نمی‌تواند مرحله سوم از تصمیم‌گیری و فرآیند آن را تکمیل نماید. به عبارت دیگر هنگامی گزینش صحیح صورت می‌گیرد که گزینشگر از آنچه در اختیار دارد و آنچه پس از انتخاب روی می‌دهد، اطلاعات راهبردی و صحیح داشته باشد. برای تحقق این امر موضوع پیش‌بینی استراتژیک که بر اساس دانسته‌های استراتژیک^۱ و تحلیل گزینه‌ها^۲ صورت می‌گیرد امری خطیر است. پیش‌بینی سناریوهای محتمل‌الوقوع و پیامدهای جدی در پی گزینش یک گزینه، نیازمند اطلاعاتی است که تأثیر و تعامل آن گزینه را با بازیگران و محیط در پی دارد. این امر نشانگر آن است که تصمیم‌گیرنده باید بتواند اطلاعات راهبردی از نقش و کارکرد بازیگران را از یک سو و تأثیر و تأثر محیط را از سوی دیگر به دست آورد تا بر اساس آن بتوان چگونگی رفتار آنها را پیش‌بینی و نوع تعاملشان را در سناریوسازی‌های^۳ خود ترسیم نماید.

برآیند ارزیابی وضعیت گزینه‌ها، پیش‌بینی رویدادهای پس از آن، تبیین چگونگی رفتار بازیگران و تأثیر و تأثر محیط و کاهش مؤلفه‌های دخیل در آن همه و همه با یک انسجام منطقی می‌توانند در طراحی سناریو و شکل‌گیری آن مفید باشند. با وزن‌دهی به آلترناتیوهای مختلف و همچنین بررسی و تحلیل سناریوهای محتمل پس از آن که بر اساس دانسته‌ها، تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های استراتژیک شکل می‌گیرند، تصمیم‌گیرنده می‌تواند یکی از راه‌حل‌ها را در قالب سناریو انتخاب و آن را برای عمل و اجرای در صحنه گزینش کند.

اطلاعات استراتژیک کارکرد ویژه خود را در مرحله سوم به خوبی نشان می‌دهد. نخست اینکه به تصمیم‌گیرنده می‌گوید که گزینه منتخب چه ویژگی‌هایی دارد؛ دوم اینکه بازیگران در برابر آن چه رفتاری خواهند داشت و محیط در تعامل با آن چگونه عمل می‌کند و سرانجام اینکه آیا این گزینه برای سناریوی مورد نظر مطلوب است یا خیر؟

مرحله بعد یعنی اجرای گزینه منتخب نیز آخرین مرحله از سیکل اجرای تصمیم است. بسیاری بر این باورند که مرحله چهارم را نمی‌توان در فرآیند تصمیم‌گیری به حساب آورد و از این مرحله اجرای تصمیم آغاز می‌شود. به عبارت دیگر این مرحله بعد سخت‌افزای تصمیم را

1 . Strategic information
2 . Analysis of options (or alternatives)
3 . Senario Making

نشان می‌دهد. با وجود این می‌توان گفت که مرحله اجرای تصمیم نیز در فرآیند تصمیم‌گیری بسیار مؤثر است و نمی‌تواند جدای از آن به حساب آید. چرا که اجرای صحیح تصمیم می‌تواند از یک سو نشانگر نقاط قوت و ضعف تصمیم و از سوی دیگر نشانگر وزانت و قدرت پایه‌های نظری آن باشد.

با این همه، اجرای تصمیم نیز نیازمند اطلاعات راهبردی در مراحل خاص خویش است. اگر بپذیریم که اجرا در صحنه از یک سو متوقف بر دانش و مهارت مجری و از سوی دیگر متکی بر محیط و چگونگی رفتار عوامل مؤثر است، پس در اجرا نیز نیازمند نوعی از اطلاعات متناسب با مراحل پیش‌گفته هستیم.

از این مرحله است که مفهومی مانند کشورداری خود را بیش از هر مفهوم دیگری به اطلاعات استراتژیک نزدیک می‌سازد. کشورداری که در واقع خود صحنه اجرای تصمیمات را به ذهن مبتادر می‌سازد نخست با مفهومی مانند اطلاعات استراتژیک ارتباط می‌یابد. همه مراحل سه‌گانه قبل برای انجام مرحله صحیح نهایی مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد.

اطلاعات راهبردی در مراحل اول تا سوم خود صبغه‌ای صرفاً استراتژیک دارند و بیش از هر چیز به حوزه نرم‌افزاری تصمیم‌گیری و فرآیند آن مربوط می‌شوند ولی این اطلاعات در مرحله اجرا به دانسته‌های اساسی درباره مجریان، چگونگی اجرا و عمل، توانمندی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی و همچنین واکنش‌های اجرایی بازیگران و محیط ارتباط می‌یابد. مطالبی که در این زمینه و از میان منابع موجود در حوزه اطلاعات استراتژیک می‌توان به دست آورد، قابلیت توجه و امعان نظر بسیار کمی دارند. ولی اخیراً شاهد آن هستیم که منابع اطلاعات استراتژیک در مغرب زمین به موضوعاتی می‌پردازند که در حوزه اجرا و تصمیم‌گیری کشور را با چالش روبه‌رو می‌کند. بر این اساس اجرای تصمیمات و سمت و سوی اطلاعات استراتژیک در آن نیز اهمیت ویژه‌ای یافته است.

نتیجه‌گیری

اطلاعات استراتژیک در فرآیند تصمیم‌گیری‌های حوزه امنیت ملی در هر چهار مرحله و با تعاریف گوناگون از تصمیم‌گیری و با رویکردهای مختلف در حوزه امنیت ملی، مهمترین نقش

را ایفا می‌کند. به طور قطع بدون وجود اطلاعات استراتژیک در هر سامانه تصمیم‌ساز، تصمیم‌گیرندگان نمی‌توانند شناختی از پدیده و معضل فراروی به دست آورند و تصویری از راه‌حل‌های بدیل را به طور شفاف تصور و ترسیم کنند. در این صورت گزینش صحیح میان این راه‌حل‌ها نیز ممکن نخواهد بود و اجرای گزینه منتخب نیز با مشکلات و چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد.

نکته حائز اهمیت این است که اطلاعات استراتژیک از آن رو که با دانسته‌های راهبردی و مؤثر هر پدیده سر و کار دارد، در سطح مسایل امنیت ملی نیز با منافع ملی و مؤلفه‌های قدرت ارتباط پیدا می‌کند. این اطلاعات از یک سو نسبت توان و تهدیدات متوجه منافع ملی را برای تصمیم‌گیرندگان تبیین می‌کنند و از سوی دیگر در فرآیند تصمیم‌گیری می‌توانند ارکان و عوامل مقوم تصمیم‌گیری را تحکیم و تقویت کنند. ضرورت اطلاعات استراتژیک در هر کشوری تا آن اندازه روشن است که حتی قدرتهای بزرگ این بخش را زیرمجموعه آژانس امنیت ملی قرار داده و آن را در ارتباطی تنگاتنگ با تصمیم‌گیری‌های امنیت ملی تعریف می‌کنند. این امر نشانگر جایگاه ویژه این اطلاعات در سیستم تصمیم‌گیری می‌باشد. به طور طبیعی طراحی سناریوهای استراتژیک نیازمند اطلاعات استراتژیک است و امنیت ملی و حفظ و بسط آن نیز نیازمند سناریوهای واقع‌بینانه در ارتباط با تهدیدات و فرصتها می‌باشد و همه از یک واقعیت حکایت می‌کنند و آن اهمیت عنصری است به نام اطلاعات استراتژیک.

یادداشت‌ها

۱. فرهنگ عمید، نسخه سه جلدی، تهران، امیرکبیر ۱۳۷۵، ص ۲۲۳
۲. برخی از مؤلفان و صاحب‌نظران، دانسته را برابر دانش فرض کرده‌اند و آن را مساوی یافته‌ها در جمع با اطلاعات قبلی پنداشته‌اند. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: علیرضا عاصف، شناخت روش علمی در پردازش اخبار و بررسی اطلاعات؛ پایه تفسیر، تهران، مدیریت تحقیقات ۱۳۷۹، ص ۷۵.
۳. در فرهنگ آکسفورد برای این واژه معادل چنین نوشته شده است (Facts told, heard or discovered about sb) با این تعریف می‌توان گفت که اطلاعات به معنای اموری است که درباره کسی یا چیزی شنیده یا گفته می‌شود و یا افشار می‌گردد. این تعریف نشانگر آن است که در معنای لغوی این سطح از دانسته دستکم مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. هرچند نمی‌توان از این تعریف نوعی تبیین تخصص را استنباط نمود.
4. *Axford Advance Learner*, 1997, p.p. 620 – 627.
۵. باطنی، محمدرضا، فرهنگ معاصر، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵۱۰
۶. علی بابائی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، مؤسسه انتشارات وزارت خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۱۶ – ۱۷
۷. برای اطلاع بیشتر از برخی از این نظرات نگاه کنید به:
Berkowitz, Bruce & Allan Goodman, *Strategic Intelligence For American National Security*, Princeton, Princeton University Press, 1989.
۸. برای اطلاع بیشتر از این گونه نظریات نک.
Keegan, John, *Intelligence in War: Knowledge of the Enemy from Napeleon to Al-Qaeda*, New york, Knof, 2003.
۹. برای اطلاع بیشتر در این باب نگاه کنید به مقاله ارزشمند از ریچارد بتز که به مفهوم و نقدهایی مربوط به استراتژی پرداخته است:
K. Betts, Richard, "Is strategy illusion?" *The Journal of International Security*, Mit Press, Vol 25, No2, Fall2000, pp. 5 – 50.
۱۰. آدا. بوزمن، اطلاعات استراتژیک و کشورداری، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲، ص ۱۵.
۱۱. برای اطلاع بیشتر از دیدگاه‌های شرمین کنت در اطلاعات استراتژیک نک:
Kent, Sherman, *Strategic Intelligence For American World Policy*, Princeton, Princeton University Press, 1966.

و همچنین نک به سایت او که معرف بنیادی به نام شرمن کنت است با نام

The Sherman Kent School For Intelligence Analysis

12. Tham, Donald and M.KM, "Towards Strategic intelligence with ontology based interprise modelling and ABC", *Iber Conferene*, Las Vegas, Nr & October 2002, p.2.

۱۳. برای اطلاع بیشتر از آراء کنت نک.

Strategic Intelligence for American World Policy, op. cit.

و همچنین به تفسیرهای بوزمان در کتاب ذیل:

اطلاعات استراتژیک و کشورداری، پیشین.

14. Mckeown, Patrick, *Information Technology and Networked Economy*, Thomson, Course Technology, 2002, p.4.

۱۵. برای اطلاع بیشتر از تعاریف و رویکردهای گوناگون در باب امنیت نک:

عبدالله خانی، علی، *نظریه‌های امنیت ملی*، ج اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.

16. Richard L.Russell "CiA's strategie intelligence in Iraq", *Political Science Quarterly*, Vol. 117 No.2 2002, p.191.

17. Ibid.

18. Jervis, Robert, "Strategic intelligence and effective policy", *Intelligence Studies*, No 28 – 30, September 1989, p166.

۲۰. بحث از سطوح اطلاعات استراتژیک و حوزه‌های مختلف آن و تأثیرگذاری این حوزه‌ها بر مؤلفه‌های استراتژیک خود می‌تواند موضوع مقاله‌ای جداگانه باشد که انشاءالله به رشته تحریر درخواهد آمد.

۲۱. «اطلاعات استراتژیک و کشورداری» پیشین، صفحه ۴۶.

۲۲. برای اطلاع بیشتر از این موضوع نگاه کنید به:

L.George, Alexander, "Presidential decision making in foreign policy: the effective use of information and advice", Boulder, Westview, 1980.

۲۳. در باب پیش‌بینی (anticipate) پیشگویی (predict) و پیشگویی بر اساس دانسته‌ها (forecasting) و همچنین پیش‌بینی استراتژیک، آثار جدی متناهی وجود ندارد. با وجود این می‌توان گفت که این مفهوم از کلیدی‌ترین مفاهیم در مبحث اطلاعات استراتژیک است که باید جداگانه بدان پرداخت. اما آنچه قابل ذکر است اینکه پیش‌بینی استراتژیک را می‌توان معادل (Strategic forecasting) دانست و آن را پیش‌بینی بر اساس اطلاعات راهبردی تفسیر نمود.